

متن پرسش

سلام علیکم جناب استاد: وقت عالی بخیر. ما از علاقه‌مندان قدیمی شما بودیم و سال‌ها پیش از آثار شما استفاده کردیم. خدا نگهدارتان باشد. اخیراً که کانال شما را در ایتا چک کردیم از مواضع شما در دفاع از وفاق‌یون و مذاکرات تعجب کردیم. عنایت کنید ما در موقعیت خطرناک و خطیر تمدنی و سیاسی هستیم و خطاهای دولت و هیئت رئیسه مجلس تا همین الان ضربات مهلکی به کشور زده است. سیاست‌های اقتصادی تکراری شوک ارزی اما با شدت و حدت و مدت بی سابقه که زمینه شورش دی ماه گذشته را فراهم کرد با اینکه منتقدان نخبه انقلابی نسبت به تبعات اقتصادی و سیاسی آن هشدارهای دقیق و بلیغ داده بودند اما مسموع نشد. از انگیزه‌های اقتصادسیاسی این سیاست‌ها بگذرم که نفع رساندن به طبقه اولیگارش‌ی خام‌فروش است که در انتخابات از ستاد آقای پزشکیان و قالیباف حمایت کردند و بعد از انتخابات چک شان نقد شد و از شوک‌های ارزی طبق محاسبات ما در همین دو سال سودهای چند هزار همتی (چند هزار× هزار میلیارد تومانی!!!) بردند و در ۷ سال اخیر ۱۳۰ میلیارد دلار ارز صادراتی نیز از کشور خارج کردند که رقم آن پارسال با پیگیری چهره‌های اقتصادی حزب تمدن نوین اسلامی افشا شد. رها کردن فرهنگ کشور که در دو سال اخیر وضعیت فرهنگ کشور را کن‌فیکون کرد طوری که خیلی از خانواده‌های متدین امروز حتی از رفت و آمد در شهر معذب هستند چه‌برسد به پارک‌ها و الان بعد از عادی شدن بی حجابی و کم‌کم برهنگی دارند بحث حقوق دگرباشان جنسی را مطرح می‌کنند و خواهید دید که اگر مقابله نشود بنا به سیر این‌بحث‌ها در غرب به اجباری کردن آموزش جنسی و ترویج تغییرجنسیت در بین کودکان هم می‌رسد. گرچه این مراحل آخر فعلاً کمی دور از دست به نظر می‌رسد. اصرار عجیب به مذاکره با طبقه اپستینی آن‌هم بعد از نهی‌های مکرر رهبر شهید و بعد از اینکه خود ایشان در فضای مذاکرات قربانی و شهید شدند و دوتا جنگ به کشور تحمیل شد و در شرایطی که واقعا هم راه حل درون‌زا برای مشکلات اقتصادی کشور هست□ که اقتصاددانان جبهه انقلاب چون دکتر صمصامی به شکل تفصیلی و مکتوب ارائه کردند اما نه گوش دولت بدهکار است و نه هیئت رئیسه مجلس□ و هم واقعا اصل مذاکره به قول رهبر شهید به دلیل خباثت دشمن هم نفعی به کشور نمی‌رساند هم ضرری را دفع نمی‌کند بلکه در فقره اخیر فقط فرصت نجات اقتصاد آمریکا و بهبود وضعیت سیاسی داخلی ترامپ را فراهم کرد که به طور جدی با خطر از دست دادن کنگره و استیضاح رو به رو بود و قطعاً با گذر از گردنه انتخابات کنگره و با بازسازی نقشه‌ها و تجهیزات نظامی خود در منطقه جنگ را از موقعیت بسیار بهتر دوباره آغاز خواهد کرد آن‌هم بعد از ضربات بی سابقه وسیع و ساختاری به حزب الله و شیعیان عزیز لبنان که وضعیت آنان را دارد به

وضعیت پنجاه سال پیش می‌رساند و ختصلغ ۶۰ سال تلاش‌های امام موسی صدر و شهید چمران و مغنیه و سلیمانی و نصرالله را تخریب کرده و در ازای آن فقط به شل و سفت کردن تنگه هرمز اکتفا کرده‌اند. بگذریم از هماهنگی عجیب سیاست دولت در دوره جنگ با ترامپ که هر موقع نفت می‌خواست به مرز ۱۲۰ دلار برسد با مواضع دولت کاهش پیدا می‌کرد گویی دولت در حین جنگ داشت مراعات منافع اقتصادی آمریکا و ترامپ لعین را می‌کرد. کمپین عجیب غیراخلاقی اکانت‌های وابسته به دولت و رئیس مجلس علیه منتقدین نجیب جبهه انقلاب به جای پاسخ منطقی از جمله اکانت‌های امنیتی که شدیداً به نظر می‌رسد وابسته به جریان نفوذی در دستگاه اطلاعاتی کشور هستند و با روش‌هایی که فقط شبیه روش‌های یهودی-صهیونیستی است در حال افترا و تحقیر و توهین دلسوزترین و نخبه‌ترین و نجیب‌ترین فعالین انقلاب هستند از آقای جلیلی و فواد ایزدی و امیرحسین ثابتی تا آقای صمصامی و جبرائیلی. این کمپین مسموم رسانه‌ای از نظر ما بسیار مشکوک هم هست. از حرکات مشکوک در هنگام جلسه خبرگان برای تعیین جانشین رهبری بگذریم که آنجا هم با کارشکنی‌ها و تاخیرهای عجیبی مواجه بودیم که صدای برخی از اعضا را در آورد و همگی حاکی از قطعات یک کودتا بود که پیشتر شواهد عینی آن نیز در جنگ ۱۲ روزه نشان داده شده بود که هدفش به قدرت رساندن روحانی بود با شواهد قطعی که علیه ایشان در رابطه با انگلیس وجود دارد. نکته نهایی که به عنوان یک خطای روشی در اندیشه حضرت عالی ذکر می‌کنیم بنای جناب عالی بر خوش بینی به فضای سیاسی کشور آن هم در خطرناک‌ترین شرایط و واضح‌ترین انحرافات است. بنده از حضرت عالی تقاضا می‌کنم تحقیقاتی که برخی محققین مستقل از نفوذ ساختاری اسرائیل و انگلیس در بین ارگان‌ها و مسئولین نظام از بدو انقلاب کردند را مطالعه فرمایید (با کلیدواژه شبکه زیتون) و همچنین مشخصاً روابط تیم مشاوران آقای روحانی و شخص ایشان با انگلستان که در کنار تحقیقات آقای پیام‌فضلی نژاد از معماری اندیشه جریان اصلاحات به دست ناتوی فرهنگی، همگرایی ساختاری جریان اصلاحات با سیاست‌های استعماری غرب را روشن می‌کند. توجه به روابط سازمانی آقایان سریع القلم و ظریف با شبکه نهادها و اندیشکده‌های وابسته به خاندان منحوس را کف‌ر نیز بخش دیگری از نفوذ شبکه‌ای و ساختاری زرسالاران غرب را در بین نخبگان سیاسی کشور آشکار می‌کند. در چنین شرایطی خوش بینی معرفتی و اخلاقی به جریان سیاسی غرب‌گرا با سابقه خطاهای فاحش مطلقاً شایسته نیست. سزاوار نیست آن استاد گرامی که عمری را به نقد غرب‌گرایی از منظر فلسفی پرداخته‌اند، در این بزنگاه آخرالزمانی که جریان نفاق-نفوذ عزم خود را جزم کردند که با همراهی انفلابیون بی بصیرت فرصت شکست تمدن‌اپستبانی را به یک شکست بزرگ برای جبهه انقلاب تبدیل کنند، با آنها همراهی نمایند. بنده خودم به عنوان دانشجوی سال آخر دکتری فلسفه معتقدم نگاه صرف اندیشه‌ای به مسائل سیاسی و غفلت از منظرهای اقتصاد سیاسی، امنیتی-اطلاعاتی و مطالعات پسااستعماری پاشنه آشیل جدی نگاه‌های صرف فلسفی در نقد غرب بوده که در بین برخی شاگردان آقای فردید چون دکتر دآوری و دکتر عبدالکریمی هم وجود داشت و ایشان را هم دچار خطاهای سیاسی در برخی بزنگاه

ها چون یرجام کرد و امروز می بینیم همان رویکرد معرفتی ناقص جناب اصغرزاده را هم دچار خطا در این بزنگاه آخرالزمانی خطیر کرده است. امیدوارم که با آشکار شدن حقایق دوستان جبهه انقلاب فرصت جبران خطاها را پیدا کنند. عذرخواه از تصدیع و جسارت. التماس دعا. اللهم عجل لولیک الفرج

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: می‌دانید که در این موارد، بحث مفصل است و وظیفه امثال بنده آن است که بخصوص در این شرایط تاریخی همان‌طور که رهبر عزیز می‌فرمایند بدون بدگمانی، جریان‌هایی که مشخص است به نحوی در مقابل جبهه استکبار هستند را «فهم» کنیم

<https://eitaa.com/arshiv3133/193> و سعی بفرمایید در تاریخی که به نور الهی آغاز شده تا تمدن نوین اسلامی، جهانی شود؛ به جای ردّ و قبول افراد با گرایش‌های مختلف، همدیگر را «فهم» کنیم. جناب آقای دکتر حداد عادل با توجه به اشرافی که دارند اخیراً نکات خوبی را متذکر شده‌اند.

<https://eitaa.com/arshiv3133/172> و <https://eitaa.com/arshiv3133/192>

به هر حال هنوز همه ی حرف بنده آن است که باید جریان های دلسوز اعم از طرفداران مذاکره و یا مخالفان مذاکره همدیگر را درک کنند و این طورنیست که یک جبهه بنای خیانت داشته باشد و اساساً به این نکته فکر کنید چرا رهبر انقلاب با آن که نظر دیگری داشته اند اجازه ی امضاء آن تفاهم نامه را به آقای رئیس جمهور دادند. آن هم مشروط بر آن که دو سوم شورای عالی امنیت ملی آن را تأیید کنند. آیا این حکایت از آن ندارد که مصلحت نمی دانسته اند در آن شرایط نظر خود را بدهند؟

و حاکی از آن که ممکن است دولت آمادگی آن نوع برنامه را نداشته باشد؟ ولی با این حال مسئولیت را به دوش شعام گذاشتند بدان معنا که آنها ذیل نظر رهبری به هر چه رسیدند رئیس جمهور عمل کند. بنابر این، این نه تحمیل به رهبری حساب می شود و نه به نحوی مقابله ی رئیس جمهور با رهبری و به همین جهت در پیام خود می فرمایند: تفاهم نامه ای بین رئیس جمهوران ایران و آمریکا امضا شد. در مسیر رسیدن به این مرحله، مسئولین امر از سر دلسوزی و با حسن نظر، تلاشهای زیادی را به عمل آوردند. با توجه به این امر نباید طوری تصور شود که ما فضا را فضای دو قطبی کنیم و از جامعیتی که نظام اسلامی بدان نیاز دارد عدول نماییم و حال این ماییم و جهانی که سیاست آن عین دیانت آن و دیانت آن عین سیاست آن است. این است جهانی که در پیش است و باید نسبت به آن بسیار

بیندیشیم. زیرا وقتی می توانیم از غرب عبور کنیم که غرب را به خوبی بشناسیم و تنها در آن صورت است که متوجه می شویم باید به انسان دیگری فکر کرد تا روشن شود آن چه در ایران تمدنی در عرصه زیستن با دیگری اهمیت دارد، حقیقت جاری و ساری در زندگی است که با نگاه تاریخی به رخدادها پیش می آید. در این حالت است که همدیگر را می فهمیم، چرا به جای آنکه نقاط ضعف مواد تفاهم را مطرح کنیم، برای رفع آن نقاط ضعف، با همدیگر دعوا می کنیم و همدیگر را متهم به خیانت می نماییم. آیا این روحیه ها، پیروزی ما را به تأخیر نمی اندازد؟ موفق باشید

https://eitaa.com/bartarin_hozoor/۱۳۸